



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



حضرت مستطاب حجۃ الاسلام والمسلمین آية الله آقای حاج  
میرزا حسین فقیه سبزوارى متع الله المسلمین بطول بقا

« چاپ نوزدهم »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مختصری از رساله هدایة الانام

نویسنده:

آیة الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری

ناشر چاپی:

چاپخانه دقت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	مختصری از رساله هدایة الانام
۶	مشخصات کتاب
۶	«تذکر»
۱۴	اصول دین
۲۵	در مطهرات است
۲۹	در احکام بیت الخلا
۳۳	در تیمم
۳۴	در ستر عورت
۳۵	در لباس نماز گذار
۳۷	در اذان و اقامه
۴۰	شرایط نماز
۴۳	مبطلات نماز
۴۴	نماز آیات و میت
۴۶	احکام نماز جماعت
۴۹	نماز مسافر
۵۱	شکایات نماز
۵۲	در شکوک صحیحه است
۵۳	موارد وجوب سجده سهو را بیان فرمائید
۵۵	در روزه
۵۷	در زکوۀ
۵۹	در خمس
۶۰	مختصری از تعقیبات نماز را بیان فرمائید
۶۳	درباره مرکز

سرشناسه: فقیه سبزواری، حسین، - 1270

عنوان قراردادی: [هدایه الانام. برگزیده]

عنوان و نام پدیدآور: مختصری از رساله هدایة الانام / آیه الله آقای حاج میرزا حسین فقیه سبزواری.

مشخصات ظاهری: ص 56.

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

شماره کتابشناسی ملی: 53181

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم رخساره مارانی

### «تذکر»

چون چاپ هیجدهم «هدایة الانام» که مطابق با فتاوی حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین و اعلم العلماء آیه الله آقای حاج میرزا حسین فقیه سبزواری متع الله المسلمین به طول بقائه تمام شده بر حسب مراجعه جمعی از مؤمنین و تلگرافات و اصله از شهرستان ها چاپ نوزدهم شروع و تقریباً منتشر خواهد شد و برای تهیه آن به کلیه کتاب فروشی های مشهد مقدس و شهرستان ها مراجعه فرمائید

[بسم الله الرحمن الرحيم]

مقدمه: بدان که هر شخص عاقل و بالغی که متدین بدین اسلام است چه مرد باشد و چه زن می داند که احکام و تکالیفی از طرف خداوند به توسط پیغمبر متوجه او می باشد و از واجبات و محرمات که باید به حکم عقل از عهده آن ها برآید زیرا که بعد از این دانائی عذری از برای او در مخالفت نخواهد بود و در قرآن کریم و احادیث صحیحه نیز تصریح به همین معنی شده در سوره نساء فرموده ، (إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ

جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا، یعنی کسانی که قبض می کنند ارواح آن ها را ملائکه در حالی که ظلم بخود نموده اند و نرفته اند احکام خود را یاد بگیرند در آن هنگام از آن ها سؤال می کنند که شما در چه صنف و طائفه هستید جواب می دهند که ما مردمان ضعیف و نادانی هستیم در روی زمین پس می گویند ملائکه با آن ها در همان هنگام قبض نمودن روح آن ها که آیا زمین خدا وسیع نبوده که هجرت کنید و احکام خدا را دانا شوید و جوابی ندارند پس جایگاه آن ها در جهنم است و بدجائی است جهنم و در روایت

است که، نگاه می دارند بنده را در روز قیامت در نزد خداوند تبارک و تعالی پس گفته می شود باو که آیا می دانستی احکام را پس اگر گفت می دانستم پس گفته می شود با و که چرا عمل نکردی و نمی دانستم پس گفته می شود با و چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی .

سؤال- طریق امثال تکالیف که گفته شد بیان فرمائید .

جواب: به یکی از سه طریق با بد امثال نماید .

اول - آن که خود مکلف جد و جهد نماید و تحصیل علم یا ضنی که شارع آن را حجت نموده عمل نماید که او را در اصطلاح مجتهد نامند .

ص: 2

دوم - آن که احتیاط نماید و آن چه را که احتمال می دهد واجب باشد بجا آورده و آن چه را که احتمال می دهد حرام باشد ترک نماید.

سوم - آن که پیروی نماید از مجتهدی که عالم به احکام است که آن را تقلید نامند و نظر با آن که اجتهاد و احتیاط برای هر کسی ممکن نیست و یا اگر ممکن باشد دشوار است لهذا مکلف مخیر است بین هر يك از این سه طریق :

سؤال : معنی اجتهاد چیست

جواب اجتهاد عبارت است از قوم و ملکه که جهت شخص حاصل می شود از کثرت ممارست نمودن در علمی که حصول آن قوه متوقف بر آن است چنان چه اجتهاد در فقه متوقف است بر ممارست در علوم عربیه و تفسیر و رجال و منطق و علم اصول و غیر آن ها که در کتب مبسوطه ذکر شده (س) تجزی در اجتهاد یعنی داشتن قوه استنباط در بعضی مسائل ممکن است یا نه (ج) ظاهراً ممکن باشد (س) اجتهاد واجب عینی است یا کفائی (ج) اجتهاد واجب کفائی است نه واجب عینی و بعید نیست در بعضی از منہ نسبت به بعضی اشخاص واجب عینی باشد (س)

ص: 3



معنی احتیاط را بیان فرمائید (ج) معنی احتیاط به جا آوردن آن چه را که احتمال وجوب می دهد و ترك نمودن آن چه را که احتمال حرمت می دهد (س) عمل نمودن با احتیاط با بودن مکلف قادر بر تحصیل علم تفصیلی جائز است یا نه (ج) در اموری که عبارت نیست و محتاج به قصد قربت نباشد باجماع علماء حائز است و اما در عبادات که عبارت از نماز و روزه و حج و زکوة است اگرچه شیخ مرتضی منع کرده و لکن اقوی جواز است به خصوص در مواردی که محتاج به تکرار عمل نباشد مثل آن که نداند آیا سوره در نماز واجب است یا نه نماز را با سوره بجا بیاورد

سؤال: تقلید یعنی چه

جواب تقلید عبارت است از التزام و عمل نمودن برای غیر که آن التزام مقدمه عمل است (س) تقلید بر چه کسی واجب است (ج) تقلید واجب است برای کسی که به مرتبه اجتهاد نرسیده باشد خواه عامی محض باشد و خواه بهره از علم داشته باشد .

سؤال اوصاف مقلد را بیان فرمائید .

جواب چند شرط در او معتبر است.

اول- آن که مرد بالغ باشد،

ص: 4

دوم- عاقل باشد .

سوم- آن که مؤمن یعنی شیعه دوازده امامی باشد:

چهارم- آن که عادل باشد (س) معنی عدالت را بیان فرمائید (ج) عدالت عبارت است از حصول قوه که وادار نماید شخص را از آن که مرتکب نشود گناهان کبیره را و اصرار بر صغیره هم نداشته باشد .

پنجم- حلال زاده باشد .

ششم- آن که مجتهد مطلق باشد پس تقلید متجزی نیست هر چند در عمل خودش باشد برای خودش عمل نماید و یا احتیاط کند

هفتم- آن که زنده باشد

هشتم- نسیال و فراموشی بر او غلبه نکرده باشد

(س) باقی ماندن بر تقلید میت چه صورت دارد؟ (ج) جائز نیست (س) تقلید اعلم واجب است یا خیر؟ (ج) بلی با اختلاف در فتوای تقلید اعلم واجب و با شك در اختلاف هم تقلید اعلم متعین است

(س) معنی اعلم را بیان فرمائید .

(ج) اعلم یعنی استاد تر در بیرون آوردن حکم الله و فهمیدن آن از اوله شرعیه (س) اجتهاد بچه چیز ثابت می شود (ج) ثابت

ص: 5

می شود اجتهاد به علم خود مقلد اگر از اهل خبره باشد یا بخبره و عادل خبره یا جمعی از اهل خبره که قول آن ها مفید علم باشد (س) اعلمیت بخبر عدل واحد از اهل خبره و بشیاع ثابت می شود یا نه (ج) با عدم تمکن از علم مطلق ظن کافیت چه از قول عدل واحد از اهل خبره حاصل شود و چه از شیاع و چه غیر این ها بلکه اگر اعلمیت یکی از مجتهدین محتمل باشد و اعلمیت دیگری محتمل نباشد در این صورت تقلید محتمل الاعلمیه است متعین است (س) هر گاه مکلف دستش با علم نرسد چه کند «ج» مخیر است ما بین تقلید غیر اعلم بارعایت الاعلم فالاعلم و عمل با احتیاط اگر مستلزم تکرار نباشد و اگر به تکرار عمل متوقف باشد در غیر عبادات مطلقا جایز و در عبادات هم اقوی جواز و مشروط بعدم تمکن از اجتهاد یا تقلید نیست و همچنین است اگر منشاء تکرار و اشتباه در موضوع خارجی باشد مثل آن که گلاب و آب خالص بهم مشتبه شود و در این صورت هم احتیاط به تکرار وضو متوقف بعدم تمکن از آب دیگر نیست الاقوی (س) معنی الاعلم فالاعلم چیست (ج) یعنی هر گاه پنج مجتهد یا ده مجتهد یا بیشتر که هستند هر کدام که عملش

بیشتر و استاد تر است در فهمیدن حکم خدا از دیگران باید از او تقلید کند «س» هر گاه اصلاً دستش بمجتهد نرسد نه اعلم و نه غیر اعلم چه کند «ج» عمل با احتیاط کند «س» هر گاه طریقه احتیاط نداند چه کند (ج) می پرسد از دو نفر عادل از اهل خبره یا یکی که خبر بدهد از طریق احتیاط «س» هر گاه تقلید غیر اعلم نمود بعد متمکن شد از تقلید اعلم عدول و اجبست یا نه «ج» بلی و اجبست عدول با علم (س) طریقه یاد گرفتن مسائل را بیان فرمائید (ج) از خود مجتهد اخذ کردن یا از ناقلی که موثوق به باشد یا از کتابی که فتوای مجتهد در آن باشد و از غلط مغیر معنی محفوظ باشد (س) اگر دو مجتهد فقاقت ایشان در شیاع مساوی فهمیده شود و بعد از فحص اعلمیت هیچ کدام معلوم نباشد در این صورت تکلیف چیست (ج) مقلد مخیر است در تقلید هر يك «س» در صورتی که دو مجتهد مساوی باشد آیا جائز است بعضی مسائل را از این تقلید نماید و بعضی را از آن «ج» بلی جائز است «س» در صورت موافقت مجتهدین در رای تعیین احد هما لازم است یا نه «ج» تعیین لازم نیست (س) عدول از مجتهد حی بحی جائز است یا نه «ج» جائز نیست مگر باعلم (س) حکم عمل

جاهل قاصر را بیان فرمائید (ج) جاهل قاصر عملی که کرده است مثل نماز و صحیح دانسته است و قربه الی الله بجا آورده اگر عملش با رای مجتهد حی اعلم که از او تقلید کند مطابق افتاد عملش صحیح است و الا فلا (س) صحت و فساد عمل جاهل مقصر را بیان فرمائید (ج) اگر فرض شود علمرا به قصد فربه کرده باشد و با رای مجتهد حی اعلم که از او باید تقلید کند مطابق افتاد عملش صحیح است و اگر مطابق نیفتاد عملش باطل است .

«س» عدالت حسن ظاهر است یا ملکه (ج) عدالت ملکه است و حسن ظاهر کاشف نوعی از ملکه و محتاج بحصول ظن نیست «س» اصرار بر صغیره چه معنی دارد بیان فرمائید (ج) اصرار عبارت است از آن که مداومت نماید بر آن گناه صغیره که کرده است هر چند دو دفعه باشد و اگر یک دفعه کرده باشد و عزم دارد که مرتبه ثانیه آن گناه را بکند بمجرد عزم اصرار محقق نمی شود هس معنی حسن ظاهر را بیان فرمائید (ج) حسن ظاهر عبارت از آنست که به معاشرت احراز شود که این شخص در اعمالش خود سر نیست و لجام الهی در مقابل شهبانش دارد (س) اگر کسی شک ، کند در اصل تقلید که آیا تقلید کرده است یا نه

تکلیفش چیست؟ (ج) اگر شك او پیش از عمل باشد باید احکام آن عمل را موافق تقلید صحیح بداند و اگر بعد از عمل باشد عمل گذشته اش صحیح است و اگر در اثنای عمل شکی روی دهد اگر حکم آن را نداند بمظنه یا احتمال نماز را تمام کند بعد از اتمام اگر مطابق فتوای مجتهد باشد در ضیق وقت صحیح است و با وسعت وقت احوط اعاده است (س) اگر مجتهد بمیرد و مقلد مطلع بر موت او نشود مگر بعد از مدتی تکلیفش چیست (ج) اعمالی که در آن مدت از او بر طبق رای آن مجتهد صادر شده اگر بارأی مجتهدی که بعد از فوت مجتهد سابق از او تقلید کند مطابق اتفاق افتاده باشد صحیح است والا اعاده نماید «س» اگر اعلم با غیر اعلم موافق باشند در فتوا در این صورت جائز است تقلید غیر اعلم یا نه .

(ج) بلی در این صورت جائز است بلکه تقلید اعلم است و قصد غیر اعلم ضرر دارد .

## اصول دین

بر حسب استدعاء جمعی مختصری از اصول عقاید که

ص: 9

اعتقاد با آن لازم و زیاده بر آن زیادی در ایمان است ذکر می شود حقیقت اصول دین و عدد آن و دلیل بر وجوب و کسائی که باید معتقد با آن باشند بیان فرمائید (ج) حقیقت اصول دین عبارت از اعتقاد به پنج امر است .

اول وجود مبدئی که خالق تمام موجودات از آسمان ها و زمین و آن چه در آن ها است و اعتقاد با آن که آن مبدء یگانه است و هم تا و شریکی و همسری برای آن نیست.

دوم آن مبدء دارای صفات جلال از علم قدرت و حیوة و اراده و تکلم و خالی از صفات نقص که صفات جمال نامند مثل مرکب بودن و جسم و فقر و غیر آن ها و دلیل بر وجود آن و دارا بودن آن صفات جلال و خالی بودن از صفات نقص وجود موجودات عالم است که هر صاحب ادراکی بعد از توجه با آن موجودات حکم می کند بوجود چنین مبدئی و اما دلیل لزوم اعتقاد با این اصل حکم عقل است بدفع ضرر متحتملا که این برهان فطری است و در تمام حیوانات وجود دارد و خلاصه آن این است که انسان وقتی که متوجه به خلقت خود شد و نعمی که برای آن موجود شده که آن نعم غیر متناهی است احتمال می که خالقی

ص: 10

خلق کرده و در مقابل عملی خواسته باشد که اگر نشناختی و خواسته او را بیاوردی نعم از تو سلب نماید پس عقل حکم می کند به شناسائی او و همین مقدار برهان کافی است .

سوم نبوت مخفی نباشد بعد از آن که شخص خداشناس شد و متوجه شد بر این که بشر در تمام زندگانی خود محتاج به دستوری است که از ابتدای زندگانی خود تا انتها از هر جهت در ولادت و رضاع و خوردن و آشامیدن و خوابیدن و ازدواج و معاملات و معاشرت با مردم و عیادات حتی بیت الخلا رفتن به آن عمل نماید تا بتواند به نحو عدل زندگانی کند و در آسایش باشد و فکر کند که بشر عاجز است از آوردن چنین دستوری حکم می کند روی قاعده لطف که باید این دستور را کسی بدهد که عالم به حقایق اشیاء باشد و فکر می کند که نمی شود به هر يك از بشر این دستورات را بفرستد لذا می فهمد که بایستی شخصی باشد از جنس بشر و حکم می کند که باید آن فرستاده شده به نحوی باشد که از هر جهت خلقاً و خلقاً و علماً و عملاً کامل باشد تا کلام او بر مردم مؤثر باشد و نقص غرض لازم نیاید لذا باید پیغمبر اعلم و اعدل و اصدق و اشجع

ص: 11



و افضل از تمامی مردم باشد و خالی از نواقص مثل کوری و گنگی و کری و لنگی و غیر آن ها از صفات نواقص باشد و همین مقدار برهان کافی است و اما دانستن این که این منصب و صفات منطبق بر چه شخصی است مدعی آن باید آیات و شواهد و براهین واضحه داشته باشد نظیر اشیائی که انبیاء داشته اند که اکمل آن ها قرآنی است که بر پیغمبر وارد شده است .

چهارم امامت و دلیل بر وجوب آن این است که هر پیغمبری نتواند تمامی احکام خود را مخصوصاً پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله که نبوت او ابدی است به تمام مردم برساند لذا محتاج به متمم و وصی می باشد که او تمام کند احکام را و اما آن اوصیاء کیانند محتاج بنص و یقین هر سابقی است و اما آن اوصیاء کیانند محتاج بنص و یقین هر سابقی است لا حق و دارا بودن آن وصی همان صفات پیغمبر است و آن ها 12 وصی می باشند

اول علی بن ابی طالب ولادت 13 ماه رجب سنه 30 بعد از عام الفیل شهادت بیست و یکم ماه رمضان سنه چهلیم از هجرت

دوم حسن ابن علی ابن ابی طالب ولادت 15 شهر رمضان سال سوم هجرت شهادت 28 ماه صفر سال پنجاه هجرت.

سوم حسین ابن علی ابن ابی طالب ولادت سوم ماه شعبان سال چهارم هجرت شهادت دهم محرم الحرام سال 61 هجرت

ص: 12

- چهارم على ابن الحسين ولادت 15 ماه جمادى الاولى سال 63 هجرت وفات 25 محرم الحرام سال 95 هجرت .
- پنجم محمد بن على ولادت عزه رجب المرجب 57 هجرت وفات هفتم ماه ذى الحجة الحرام سال 114 هجرت .
- ششم جعفر بن محمد الصادق ولادت هفدهم ربيع الاول سنه 83 وفات 25 شوال المكرم 148 هجرت .
- هفتم موسى بن جعفر ولادت صفر المظفر سال 128 هجرت وفات 25 رجب المرجب 183 هجرت .
- هشتم على بن موسى الرضا ولادت يازدهم ذيقعدة سال 148 هجرت شهادت سلخ ماه صفر سال 202 هجرت .
- نهم محمد بن على ولادت دهم ماه رجب المرجب سال 195 هجرت وفات آخر ماه ذى قعدة الحرام 220 هجرت .
- دهم على بن محمد ولادت دوم ماه رجب المرجب يا 15 ذى حجه سال 212 هجرت وفات سوم ماه رجب 254 هجرت .
- يازدهم حسن بن على ولادت هشتم ربيع الثانى 232 هجرت شهادت هشتم ربيع الاول 260 هجرت .
- دوازدهم حجة بن الحسن عَلَيْهِ السَّلَام ولادت پانزدهم شعبان

سال 255 هجرت و آن امام غائبی است که عموم شیعیان انتظار فرج او را دارند و اما چرا غائب شده و کی ظاهر می شود و بعد از ظهور چه عمل انجام می دهد و چگونه رفتار می کند لازم نیست همین اندازه باید معتقد به وجود چنین امامی بود.

پنجم معاد و آن عبارت است از اعتقاد با این که روزی خواهد آمد که آن چه بشر عمل کرده باشد از خوب و بد حساب خواهد شد و جزا داده خواهد شد و همین مقدار اعتقاد کافی است و اما کیفیت و چگونگی و جزئیات عالم برزخ و قیامت و بهشت و جهنم و صراط و میزان هیچ محتاج به تفصیل نیست فقط باید همین مقدار معتقد بود که روح روزی خواهد آمد که به همین بدن بر می گردد جهت حساب و دلیل بر آن قرآن و اخبار وارده می باشد و اما اشخاصی که بر آن ها تحصیل این امور لازم است هر انسانی است که ممیز باشد و حسن و قبح اشیاء را بفهمد و بلوغ شرط نیست .

در نجاست است

سؤال نجاسات چند چیز است .

جواب ده چیز است .

ص: 14

اول و دوم بول و غایط است از هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده داشته باشد خواه در اصل از نوع حرام گوشت باشد یا به واسطه امر خارجی حرام شود چون حیوان نجاست خوار یا حیوانی که آدمی آن را و طی نموده و بول و غایط حیوان حلال گوشت پاکست و فرقی در حیوانات نیست ولکن حیوان حرام گوشت اگر پرنده باشد اقوی طهارت است و پرستوك حلال گوشت و فضله اش پاکست.

سوم منی از حیوانی که خون جهنده داشته باشد نجس خواه حرام گوشت باشد یا حلال گوشت و منی هر حیوانی که خون جهنده ندارد پاکست .

چهارم میته حیوانی که صاحب خون جهنده باشد و هم چنین هر جزئی از آن که روح در آن قرار گیرد و آن چه از حیوانات زنده جدا می شود و حیوة در آن حلول نموده نجس است و پوستی که از لب یا جوش بدن یا سر کچل یا بدن چرب دار جدا می شود پاکست و همچنین جزئی که از بیخ مو وقت جدا شدن آن به واسطه شانه زدن و شبه آن جدا شود پاکست و نافه مشکى که از آهوی زنده جدا شود پاکست و اما اگر از آهوی

ص: 15

مرده باشد پس ظاهر آنست که نافه اتصال به بدن ندارد بلکه نظیر کیسه است که در بدن آهو تکوین می شود بنا بر این فرقی بین مرده و زنده نیست در طهارت و مشك آن محکوم به طهارت است و لو آن که از دست کافر گرفته شود یا آن که در صحرا پیدا شود و اگر معلوم باشد که در وقت مردن آهو رطوبت مسریه داشته ظاهر نافه نجس است و اگر شک داشته باشد در داشتن رطوبه مسریه حکم بطهارت می شود و جزئی که در آن حیوة حلول نمی کند مانند شاخ و استخوان و مو و غیر این ها پاکست و تخمی که از شکم میته مرغ و نحو آن بیرون آید پاکست اگر پوست روی آن سخت باشد خواه از حرام گوشت باشد یا غیر آن بلی هرگاه ملاقات نموده باشد با میته در حال رطوبت در چنین وقتی شستن آن لازم هست و انقحه که شیر دادن بره و بزغاله است پیش از آن که شیر خوار بشود یا شیر مایه که در آنست پاك است اگرچه بهتر اجتنابست و اگر ملاقات با میته نموده باشد در حال رطوبت نجس است بشستن پاک می شود و از شیری که در پستان میته است اجتناب لازمست خصوصا در شیر ماکول اللحم و اما نجس العین مثل کافر و سگ و خوک پس هیچ چیز از

آن ها پاک نیست خواه در حال حیوة و خواه در حال ممات چه از جزئی باشد که حیوة در آن قرار گرفته باشد و چه غیر آن ها

پنجم- خون حیوانی که خون جهنده دارد هر چند از رگ نباشد چه حلال گوشت و چه حرام گوشت نجس و چون ماهی و خون هر حیوانی که خون جهنده ندارد پاکست و خون پشه در حینی که از بدن انسان می خورد و هنوز جزء بدن پشه محسوب نیست احتیاط در آن لازم است و همچنین پاکست خونی که از غیر حیوان باشد مانند درخت معروفی که در روز عاشورا از آن خون می آید و خونی که در واقعه سیدالشهداء (علیه السلام) دیده شده و خونی که از جمله آیات حضرت موسی ابن عمران بوده پاکست و اما خون علقه که منشأ صورت حیوانست نجس است و خون تخم مرغ محکوم به نجاست و وجوب اجتنابست علی الاحوط و خونی که بعد از تذکیه حیوان ماکول اللحم در بدن آن می ماند بعد از بیرون رفتن خون بقدر متعارف پاک است به شرط آن که در جزء حلالش باشد چون گوشت اما آن چه در غیر آن باشد چون سپرز محل اشکال است و بهتر اجتنابست و هرگاه خونی که عادت به بیرون آمدن آن در وقت تذکیه

ص: 17

است از آن خارج نشود نجس است و به سبب مخلوط شدن با خون دیگر آن را هم نجس می کنند و بهتر اینست که خون باقی مانده در بدن غیر ماکول اللحم بعد از تذکیه و خروج خون متعارف اجتناب نماید و در طهارت خون بچه که در زمان تذکیه در شکم مادر بوده و اشکالست و اظهر طهارتست چنان چه طهارت آن خونی که در حال جاری شدن خون از محل ذبح بر خلاف متعارف و متعاد داخل شکم حیوان مذبوح شده و در آن جا مانده در محل اشکال است بلکه اجتناب از آن لازم است و هر گاه حال خون از جهت طهارت و نجاست مشتبه شود مثل این که نداند از صاحب خون جهنده است یا غیر آن یا از خون باقی مانده در بدن حیوان بعد از بیرون رفتن خون تذکیه است یا غیر آن پاکست مطلقاً

ششم و هفتم سك و خوكست هرگاه آبی نباشند پس هر جزئی آن ها چه حیوة (در آن حلول کند یا نه مانند مو و ناخن و همچنین لعاب دهن و شیر و سایر فضلات آن ها نجس است و اما سك و خوك آبی پاکست .

هشتم شراب خواه از انگور باشد یا غیر آن و هر مست کننده که در اصل روان باشد نجس است و اما بنک و چرس و مانند آن ها از هر چیزی که در اصل روان نباشد هر چند آن را ممزوج با آب کنند پاکست اگرچه با آب بجوشد :

نهم- فقاع و آن شراب مخصوصی است که غالب افراد آن از جو است و مست کننده نیست و آن را می گذارند تا در آن غلیان و جوششی حاصل شود و آن غیر ماء الشعیری است که معمول اطباء است:

دهم- کافر و آن کسی است که متدین بغير دین اسلام باشد یهود و نصاری و مجوس و دهری یا آن که با اختیار اسلام انکار ضروری دین اسلام نماید یا صادر شود از او گفتار یا رفتاری که اقتضاء کفر او نماید مثل سوزانیدن قرآن العیاذ باللله یا ناسزا گفتن به یکی از اهل عصمت (علیهم السلام) و جمیع اقسام کفر از حربی و ذمی و خارجی و غالی و ناصبی و مرتد خواه فطری و خواه ملی و غیر ایشان نجس می باشند .

و نجاسات منحصر در این ده چیز است بنا بر اصبح و غیر این ها از رویاه و خرگوش و موش و چلپاسه و عقرب و مسوخات



و ولد الزنا پاکست و بهتر اجتنابست از جمیع آن ها و نماز با عرق جنب از حرم جایز نیست و احوط اجتناب است از عرق شتر جلال و آهن پاکست و بی اشکال و مستحب است بعد از استعمال در ناخن گرفتن و سر تراشیدن این که محل را با آب مسح نمایند .

س کیفیت استبراء از بول را بیان فرمائید (ج) استبراء کردن از بول بر سه قسم است و بهتر آن سه قسم اینست که از دم سوراخ مقعد تا بیخ تخم ها سه دفعه دست بکشد بقسمی که آن چه در میان مانده بمجرای ذکر داخل شود و بعد انگشت بزرگ را پشت زهار و انگشت وسط را زیر قضیب بگذارد و بقوت سه مرتبه تا سر قضیب بکشد و بیاورد تا آن چه در میان آن و مجری باشد حرکت نماید بعد از آن سه مرتبه حشفه را فشار داده مانند دوشیدن بقوت بکشد تا هر چه در حشفه رطوبت بوده باشد بیرون بیاید .

## در مطهرات است

سؤال مطهرات چند چیز است

جواب مطهرات پانزده چیز است

ص: 20

اول از آن ها آبست ، و آن یا مطلق است یا مضاف و مذار در مضاف بودن بر اینست که چیزی با آب مخلوط شود که از آب بودن خارجش نماید یا عرقی که از آب مخلوط گرفته شود مثل گلاب و امثال آن یا از اجسام فشرده شود مثل آب هندوانه و نحو آن و هیچ يك از اقسام آن نه رفع حدث می کند و نه خبث و نجس می شود به محص رسیدن نجاست با آن اگرچه بقدر کریا زیادت باشد و اما مطلق پس آن عبارتست از آبی که خالص و بدون ضمیمه باشد و اگر چیزی مخلوط بآن شود که در آن اثری نکند ضرری ندارد و پاک می کند هر چیزی را مگر آن که قابلیت پاک شدن را نداشته باشد مثل میتة و نجس العین و شبه این ها (س) گر که در اصطلاح فقها تفسیر می شود بآب کثیر بر حسب مساحت چه مقدار مساحت را کر نامند (ج) گر عبارتست از ظرفی یا گودالی در زمین که مساحت آن بر حسب طول و عرض و عمق هر يك سه و جب و نیم باشد که اگر خواسته باشیم در بقیه مساحت ها بدانیم باید آن مساحت چهل و سه و جب الا هشت يك و جب باشد .

(س) کر بر حسب مقدار چه باید باشد (ج) بر حسب کیلو متعارف چهار صد کیلو و بر حسب من تبریز 128 من الا بیست مثقال باید باشد .

دوم زمین و آب پاک می کند کف پا و زیر کفش را خواه از چرم بوده باشد یا از چوب یا غیر این ها

سوم آفتابست و آن پاک می کند زمین و عمارات و در و پنجره را و فرقی نیست در این که در حال منقول بودن نجس شود و بعد غیر منقول شود

چهارم استحاله است و آن عبارتست از این که جسم نجسی برگردد به یکی از اشیاء طاهره پس خواه آن نجس باشد یا به سبب ملاقات یا نجاسات نجس شده باشد .

پنجم ذهاب ثلثین یعنی آب انگوری که بجوش بیاید و اقوی طهارت است و اگر دو ثلث آن بجوشیدن آتش یا به آفتاب از بین برود حلال می شود

ششم انتقالست پس هر گاه نجس اصلی یا عارضی در حیوان پاکی قرار گیرد به سبب انتقال پاک می شود .

هفتم اسلام آوردن کافر است پس او را پاک می کند و فرقی

ص: 22

در اقسام کفار نیست

هشتم تبعیت است مانند تبعیت طفلی که پدر یا جد یا مادر او اختیار اسلام نموده باشد .

نهم زوال غیر نجاست از بدن حیوان زنده مطلقاً

دهم غیبت، پس هر گاه بعد از یقین به نجاست بدن شخصی یا نجاست رخت یا فروش یا چیزهای متعلقه بپا و غایت شود و احتمال این برود که پس از غیبت آن نجس را پاک کرده باشد حکم به طهارت آن می شود .

یازدهم سنك و كهنه استتجاء با شرایطش

دوازدهم استبراء ، و بآن حکم می شود به طهارت رطوبت مشتبه به بول و منی و اگر استبراء نکرده باشد نجس است .

سیزدهم جدا شدن غسله و آن پاک کننده است رطوبتی را که باقی می ماند در محل و بعد از فشردن

چهاردهم بیرون آمدن خون از محل ذبح کردن حیوان بقدری که متعارف از آن رفته باشد و با آن حکم می شود به طهارت خون باقی مانده در حیوان ماکول اللحم

پانزدهم استبراء حیوان حلال یعنی نجاست خوار که در

ص: 23

اصل حلال گوشت، باشد پس همین که از خوردن نجاست زمانی گذشت و او را نجاست خوار نگفتند پاک است .

## در احکام بیت الخلا

(س) احکام بیت الخلا را بیان فرمائید (ج) واجبت در آن بلکه در جمیع احوال پوشیدن خود را از هر بیننده که ممیز باشد مگر زوجه و کنیز غیر مزوجه و حرام است در حال تخلی بلکه در حال استبرا رو به قبله و پشت به قبله بودن در صورت ندانستن و نبودن مظنه حرمت ساقط است و واجب است که که محل بول را با آب خالص بشوید دو مرتبه و محل غایط اگر تعدی نکرده باشد مخیر است بین شستن با آب یا مسح کردن بجسم پاک مثل سنک و کلوخ و پارچه و غیر آن ها (س) اموری که وضوء جهت آن ها واجب است بیان فرمائید (ج) سه عمل است.

اول نماز واجب و ملحق است با آن اجزاء منسیه و سجده سهو.

دوم طواف واجب

سوم مس کتاب قرآن و اسماء الله و اسماء انبیاء و

ص: 24

ائمه بلکه حضرت صدیقه (سلام الله علیها) نواقص وضو را بیان فرمائید (ج) هشت است: اول بول دوم غایط سوم خواب که غالب بر قوه سامعه بشود چهارم دیوانگی پنجم بیهوشی ششم استحاضه قلیله هفتم مس نمودن انسان به عضوی از اعضای خود که دارای روح باشد به عضوی از بدن میت که دارای روح بوده و غسل داده نشده و سرد شده (س) شرایط و افعال وضو را بیان فرمائید (ج) چند امر است: اول آوردن افعال را با اراده که محرك او امر الهی باشد دوم شستن صورت از رستنگاه مو تا ذقن سوم شستن دست راست از مرفق تا سر انگشتان، چهارم شستن دست چپ مثل راست پنجم مسح جلو سر ششم مسح پای راست بدست راست از سر انگشتان تا بیخ پا هفتم مسح پای چپ مثل راست

سوم - موالات یعنی بودن افعال پی در پی عرفاً

چهارم - ترتیب به نحوی که گفته شد

پنجم - آب وضو غصب و نجس و مضاف و مضر بیدن نباشد

و محل ایستادن، و ریزش آب غصبی نباشد در صورت انحصار. ششم خود مباشر باشد در احکام غسل (س) موجبات غسل را بیان فرمائید (ج) مسح است جنابت حیض نفاس استحاضه متوسطه

ص: 25

و کثیره و مسح میت (س) موجبات جنابت را بیان فرمائید (ج) خارج شدن منی از محل متعارف چه از مرد باشد و چه از زن در ادخال حشفه در قبل یا دبر انسان و احتیاط واجب غسل است در ادخال حشفه در فرج باد بر حیوانات (س) حقیقت حیض را بیان فرمائید .

(ج) خون حیض خون نیست که خداوند در رحم زن خلق کرده جهت قوت طفل در رحم و بعد از زائیدن خداوند آن را به صورت شیر قرار می دهد و غذای طفل می شود و علامت آن اینست که گرم و متعفن و بتندی خارج می شود و از سه روز کم تر نیست و از ده روز زیاد نیست و در صغیره و یائسه وجود ندارد و بین دو حیض هم کم تر از ده روز نشود و هر خونی که زن ببیند و ممکن باشد آن را حیض قرار بدهد محکوم به حیض است و زن حامله و زن شیر ده هر گاه خون از او خارج شود و علامت حیض در آن باشد حیض است

(س) حقیقت استحاضه را بیان فرمائید خون استحاضه خون نیست رقیق و سرد و ممکنست یک ساعت باشد و ممکن است یک سال باشد و تقسیم بسه قسم است قلیله آن که داخل پنبه نشود فقط ظاهر پنبه آلوده

شود و متوسط آن است که داخل پنبه شود و خارج نشود و کثیره از پنبه خارج شود و هر خونی که حیض نباشد استحاضه خواهد بود.

(س) خون نفاس را بیان فرمائید (ج) نفاس خونبست که هنگام ولادت خارج می شود و ممکن است یک ساعت باشد و ممکن است هیچ نفاسی نباشد و از ده روز بیشتر نشود و تمام احکام حیض بر آن بار است (س) احکام جنب و حائض و نفساء را بیان فرمائید (ج) حرام است بر جنب و حائض و نفساء داخل شدن مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه و حرم ائمه علیهم السلام و حرام است خواندن سوره هائی که سجده واجب دارد و مکث و درنگ نمودن در بقیه مساجد و عبور نمودن در بقیه جائز است.

(س) احکام مستحاضه را بیان فرمائید (ج) در قلیله برای هر نمازی وضو باید بگیرد و در متوسطه علاوه بر وضوء برای نماز صبح غسل کند و در کثیره علاوه بر آن باید برای ظهرین یک غسل و برای عشائین یک غسل در صورتی که بخواهد جمع کند بین دو نماز و هر گاه مستحاضه این اعمال را

ص: 27



بجا آورد در حکم طاهره خواهد بود و در وقت نماز باید کهنه خود را عوض کند .

## در تیمم

سؤال ، حقیقت تیمم و شروط صحت آن را بیان فرمائید (ج) حقیقت تیمم عبارتست از طهارت ترابیه با این که دو کف دست خود را با هم بزنند به خاک خالص یا مطلق زمین که دارای ذراتی باشد از خاک و او به نحوی که غبار بدست بچسبد خواه سنک باشد یا زمین یا ریک و آن چه زمین بر آن صدق کند و از معادن نباشد و به غیر زمین مخلوط نباشد و بعد به پیشانی خود بمالد از رستنگاه موی تا بیخ بینی و بهتر داخل نمودن بینی است در مسح و بعد به همان صورت مسح کند پشت دست راست را به کف دست چپ و پس از آن مسح کند پشت دست راست را به کف دست چپ و پس از آن مسح کند پشت دست چپ را به کف دست راست ، و احتیاط واجب آنست که دفعه دوم بزنند دو دست خود را به زمین و مسح کند پشت دست راست به کف دست چپ و پشت دست چپ به کف دست راست چه بدل از وضوء باشد و چه بدل از غسل و اما

ص: 28

تشریح تیمم هنگامیست که عباداتی واجب بشود مثل نماز و طواف و مکلف محدث باشد بحدث اصغر یا اکبر و قدرت بر استعمال آب نداشته یا به واسطه نبودن آب یا بودن قیمت آن مضر به حال او یا مرضی در او باشد که نتواند استعمال کند یا حیوان محترمی تشنه باشد یا ضیق وقت باشد در این هنگام باید تیمم کند .

## در ستر عورت

(س) احکام پوشانیدن عورت و لباس مصلی را بیان فرمائید جواب واجبست و شرطست پوشانیدن عورت در نماز واجب با قدرت و شعور و در نماز سنت شرطست چه آن که نظر کننده باشد یا نباشد و عورت در مرد قبل و دبر و بیضتین است و الیتین و ما بین رکبتین و سره و ما بین رکه و نصف ساق از عورت نیست و احوط پوشانیدن جمیع است و عورت در زن که واجبست پوشانیدن آن در نماز تمام بدنست مگر گردی صورت و دو کف دست و ظاهر دو قدم هر چند احوط پوشانیدن جمیع آن ها است مگر مقدار واجب از موضع سجود از پیشانی

ص: 29

(س) واجب است پوشانیدن موی سر بر زنان یا نه (ج) بلی بر زن آزاد واجبست .

## در لباس نماز گذار

(س) پاک بودن لباس و بدن مصلی واجب و شرط صحت نماز است یا نه (ج) بلی واجبست و شرط صحتست (س) شرطست در لباس مصلی که مباح باشد یا نه (ج) بلی شرطست به تفصیلی که در مکان نماز ذکر شد (س) هر گاه از روی جهل یا فراموشی در لباس غصبی نماز کرد صحیح است یا نه (ج) صحیح است و اگر در عرف کرایه داشته باشد ضمانتست (س) آیا لباس مصلی از چه جنس باید باشد (ج) جایز است از جمیع نباتات از پنبه و کتان و غیر آن و همچنین از پوست حیوان ما کول اللحم کم تذکیه شده باشد و لود باغی نشده باشد و همچنین جایز است از پشم و کرک و موی و پر حیوان ما کول اللحم هر چند تذکیه نشده باشد و یا از مرده کنده شده باشد و بر تقدیر کنند واجبست شستن موضعی که با رطوبت ببدن مرده رسیده است (س) اگر لباس مصلی حریر باشد چه صورت دارد (ج) از برای مردان حرام و مبطل نماز است در صورتی که پهنای

ص: 30

آن از چهار انگشت زیاده باشد و اما از برای زنان مباح و جایز است چه در نماز و چه در غیر نماز (س) ماهوت و فاستونی و شعری و غیره از قماش هائی که از بلاد خارجه می آورند احتمال مخلوط بودن با جزء غیر ماکول اللحم در آن ها می رود آیا نماز در آن ها جایز است یا نه (ج) بلی جایز است علی الاقوی (س) جایز است رخت مصلی طلاباف باشد یا نه (ج) از برای مردان جایز نیست و نماز باطلست اگر چه ساتر عورت هم نباشد و از برای زنان مباح و جایز است (س) انگشتر طلا در دست مرد چه صورت دارد (ج) حرام است ولی حرام نیست همراه داشتن طلا در نماز چه سکه دار باشد یا نباشد (س) حمل نجس یا متنجس مثل دستمال یا کیسه در نماز چه صورت دارد (ج) حمل متنجس و لو ساتر عورت باشد جایز است و حمل نجس که جزء حیوان غیر ماکول اللحم باشد جایز نیست مثل فضله و خون گربه و موش و غیر آن ها (س) چیزی که ساتر عورت و نجس یا متنجس باشد به پیچند و در جیب یا بغل گذارند آیا در نماز جایز است یا نه (ج) جایز است به شرط آن که از غیر ماکول اللحم نباشد (س) هر گاه زنی جز لباس نجس پوشیدن چاره

ندارد در نماز تکلیفس چیست (ج) در ضیق وقت و عدم تمکن از تطهیر و از ساتر دیگر با همان لباس نماز را بخواند (س) اگر زنی به غیر از لباس غصبی لباس ندارد و نا محرم هم حاضر نیست در این لباس جایز است نماز کند یا نه (ج) جایز نیست بلکه باید برهنه نماز کند (س) حمل اجزاء حرام گوشت مثل موی گربه و غیره در نماز جایز است یا نه (ج) جایز نیست و نماز باطل است (س) اجزاء انسان مثل موی یا دندان همراه مصلی باشد نمازش صحیح است یا نه (ج) بلی صحیح است اگرچه از غیر باشد بلکه اگر تمام لباس را از موی انسان بافته باشند نماز در آن جایز است (س) هر گاه نجاست در لباس باشد و فراموش کند با آن لباس نماز کند نمازش صحیح است یا نه (ج) صحیح نیست و اعاده باید کرد و اگر وقت گذشته باشد قضا کند (س) اگر لباس نجس بود و مصلی نمی دانست بعد از نماز مطلع شد چه صورت دارد (ج) صحیح است

## در اذان و اقامه

(س) اذان و اقامه واجبست یا مستحب .

ص: 32

(ج) مستحب مؤکد است در نماز های پنج گانه یومیه و تاکید استحباب اقامه از اذان بیشتر است و در سایر نماز ها مشروع نیست یعنی گفتنش حرام است و فرقی نیست در فرایض یومیه ما بین این که ادا باشد یا قضا در سفر باشد یا در حضر به جماعت باشد یا فرادی در حال صحت باشد یا مرض نماز گذار مرد باشد یا زن بلی در اداء و سفر و جماعت و حال صحت در باره مردان تا کد استحبابش بیشتر است (س) کیفیت اذان و اقامه را بیان فرمائید (ج) اذان چهار تکبیر است بلفظ الله اکبر و دو شهادت توحید بلفظ اشهد ان لا اله الا الله و دو شهادت رسالت بلفظ اشهد ان محمدا رسول الله و دو حی علی الصلوة و دو حی علی الفلاح و دو حی علی خیر العمل و دو تکبیر مانند پیش و دو تهلیل بلفظ لا اله الا الله و شهادت بر ولایت حضرت امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام جزء اذان نیست و لکن به قصد قربت بعد از ذکر رسول خدا صلی الله علیه و اله خوب است و اگر به قصد جزئیت بگویند حرام است و اقامه مثل اذان است مگر آن که در اول آن دو تکبیر و در آخر آن يك تهلیل است و بعد از حی علی خیر العمل دو قد قامت الصلوة باید گفت پس فصول اذان هیجده و

فصول اقامه هفده فصل است (س) هرگاه مصلی اذان و اقامه را فراموش کند داخل در نماز شود چه صورت دارد (ج) اگر پیش از رکوع رکعت اول متذکر شد جایز است نماز را قطع کند و اذان و اقامه را بگوید و نماز را از سر بگیرد و داخل در نماز شود (س) هرگاه کسی وارد مسجد شد که نماز جماعت بگذارد دید امام جماعت از نماز فارغ شده و صف جماعت بهم خورده و لکن به قدر دو نفر یا زیادتر از اهل جماعت باقی هستند بر چنین کسی گفتن اذان و اقامه جایز است یا نه (ج) جایز است و اگر هیئت جماعت بهم نخورده باشد ساقط است و در مواردی که جمع بین دو نماز مستحب است مثل ظهرین روز جمعه و روز عرفه و عشاء شب عید قربان در مزدلفه اذان نماز دوم ساقط است و اگر فصل بنافله نشود اقوی عزیمت بودن سقوط است و با فصل بنافله سقوط رخصت است بلکه در غیر مورد استحباب جمع هم اگر جمع کند اذان ساقط است و اگر فصل بنافله نشود رخصت یا عزیمت بودن آن خالی از اشکال نیست بلی با فصل بنافله رخصت بودن بی اشکال است .

(س) شرایطی که در نماز معتبر است از خارجی و داخلی بیان فرمائید (ج) بدان که هر نماز واجبی چه زمیه و چه غیر آن مشروط بشش شرط است.

اول - طهارت یعنی وضوء و غسل و تیمم که هر کدام در محل خود ذکر شد .

دوم - قبله یعنی باید از اول تا آخر مقادیم بدن رو به قبله باشد و قبله از برای نزدیک که خانه را به بیند عین خانه است و از برای دور جهت است و ملحق است به نماز اجزاء فراموش شده و سجده سهو و همچنین معتبر است قبله در احتضار حال و در حال کشتن حیوانات چه حلال گوشت و چه حرام گوشت و هم چنین معتبر است حال دفن نمودن که سرمیت طرف مغرب و پا طرف مشرق و روی به قبله باشد .

سوم مکان که باید محل قدم و محل سجده مساوی انگشت باشد مگر با اندازه چهار انگشت بسته تفاوت ضرر ندارد و باید غصبی نباشد و محل سجده باید پاک باشد .

چهارم وقت که در یومیه وقت معتبر است که از اول زوال



تا مغرب وقت ظهر عصر است و حاصل می شود زوال با این که سایه شاخص از مغرب منحرف به مشرق شود و مغرب حاصل می شود به گذشتن قرمزی از بالای سر و مبداء نصف شب از غروب آفتاب است تا طلوع آن و دانسته می شود به این که ستاره هائی که اول غروب طلوع از بالای سر به طرف مغرب متمایل بشود و وقت نماز صبح از هنگام طلوع فجر صادق تا بر آمدن آفتاب .

پنجم آن که لباس نماز گذار نجس و غصبی و ابریشم و طلا باف و اجزاء حیوان حرام گوشت و اجزاء میته.

ششم ستر عورت ، در مرد قبل و دبر است و در زن تمام بدن مگر گردی صورت و دو کف دست و ظاهر دو قدم (س) مقارنات یعنی اجزای نماز را بیان فرمائید :

(ج) اول نیت با این که قصد نماید که نماز ظهر یا عصر یا غیر آن بجا می آورم برای امر خدا .

دوم قیام است که باید با قدرت راست بایستند بدون اعتماد بر چیزی و تکان ندهد خود را .

سوم تکبیرة الاحرام است با این که بگوید الله اکبر بدون غلط .

ص: 36

چهارم قرائت سوره حمد است و بعد از آن در صورت بودن وقت خواندن يك سوره قرآن

پنجم ركوع است یعنی از راستی خم شود تا با اندازه که كف دست اربعین زانو برسد.

ششم سجود است یعنی باید بعد از ركوع راست بایستد پس از آن به سجده برود که هفت موضع مستقر بر زمین شود و محل پیشانی با موقف مساوی شود.

هفتم تشهد است که واجب غیر رکنی است در رکعت دوم و در مغرب علاوه بر دوم در سوم و در چهار رکعتی در چهارم که واجب است و نگوید اشهد ان لا اله الا الله و حده لا شريك له و اشهد ان محمد عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و

آل محمد .

هشتم سلام است که بعد از تشهد هنگام تمام شدن بگوید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته یا بگوید السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و اگر هر دو را بگوید و اضافه کند السلام علیکم و رحمة الله و برکاته بهتر است

نهم ترتیب است با این معنی که افعال نماز را به همین

ص: 37

نحو که گفته شد به جا آورد و مقدم و مؤخر نکند.

دهم موالات است یعنی فاصله زیادی بین افعال نشود یا زدهم ذکر است که در رکوع بگوید سبحان ربی العظیم و به حمده یک مرتبه ددر سجده بگوید سبحان ربی الاعلی و به حمده یک مرتبه یا در هر و سه مرتبه بگوید سبحان الله .

## مبطلات نماز

(س) مبطلات نماز را بیان فرمائید (ج) ده است اول آن چه بر خلاف آن چه مقرر شده عمل شود مثل این که طهارت بر طرف شود

دوم در حال قیام دست روی دست بگذارد

سوم: التفات به تمام بدن از قبله

چهارم: حرف زدن است عمدا

پنجم: خندیدن با صداست

ششم: گریه با صدا

هفتم: عمل زیاد که غیر افعال نماز است باشد.

هشتم: خوردن و آشامیدن نهم: گفتن آمین بعد از حمد

دهم: زیاد کردن جزئی با کم کردن مثلا آن که سه

ص: 38

یازدهم نماز اول هر ماه که در تمام روز اول ماه از طلوع صبح تا غروب آفتاب می تواند به جای آورد و آن دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه و سلام می دهد و به هر چه بتواند صدقه بدهد سلامتی آن ماه را خریده و مستحب است خواندن این آیات بعد از نماز

بسم الله الرحمن الرحيم و ما من دابة في الارض الا على الله رزقها و يعلم مستقرها و مستودعها كل في كتاب مبين بسم الله الرحمن الرحيم و ان يمك الله بضر فلا كاشف له الا هو و ان يردك بخير فلا راد لفضله يصيب به من يشاء من عباده و هو الغفور الرحيم سيجعل الله بعد عسر يسرا اما شاء الله لاقوه الا بالله حسبنا الله و نعم الوكيل و افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين رب انى لما انزلت الى من خير فقير رب لاتدرني فردا و انت خير الوارثين .

### نماز آیات و میت

(س) سبب و کیفیت نماز آیات را بیان فرمائید (ج) سبب آن گرفتن خورشید و ماه وزیدن بادهای شدید که نوع مردم بترسید و زلزله و صاعقه و هر امر آسمانی یا زمینی که

باعث ترسیدن مردم باشد و اما کیفیت آن بعد از تحقق شرائط که در نماز گفته شد نیت کند که نماز آیات به جا می آورم قربه الی الله و تکبیرة الاحرام بگوید و حمد بخواند و يك سوره را پنج قسمت کند به هر قسمتی بك رکوع به جا آورد یا در هر رکعتی حمد و سوره تمام بخواند یا تبعیض و در رکعتی که سوره را تمام کرد باید در رکعت های بعد حمد و سوره را تقسیم با تمام کند و مستحب است در رکعت 2 و 4 و 6 و 8 و 10 قنوت بخواند (س) کیفیت نماز اموات را بیان فرمائید (ج) بر هر میتی که گوینده شهادتین باشد از هر فرقه و یا طفل شش ساله که یکی پدر یا مادر یا یکی از اجداد او گوینده شهادتین باشد نماز میت واجب است و کیفیت آن با این نحو است که پنج تکبیر بگوید بعد از تکبیر اول بگوید : و أشهد أن لا إله إلا الله أشهد و أن محمداً رسول الله

بعد از دوم بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد .

و بعد از تکبیر سوم بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و بعد از چهارم بگوید اللهم اغفر لهذا الميت یا لهذا الميتة و ختم کند و شرط نیست در این نماز طهارت و شرط است که با اجازه

ولی باشد و روزه قبله باشد و هر چاه طفل باشد بگوید بعد از تکبیر چهارم اللهم اجعله مصلحاً لا بویه و اگر غیر شیعه اثنی عشری باشد بگوید ، اللهم احشره مع من يتولاه

## احکام نماز جماعت

(س) نماز جماعت مستحب است یا واجب (ج) مستحب مؤکد است در جمیع فرایض خصوصاً در نماز یومیة خصوصاً هر گاه اداء باشد خصوصاً در صبح و مغرب و عشاء خصوصاً از برای کسی که در مسجد باشد بلکه در حق کسانی که اذان مسجد را می شنوند (س) فضیلت نماز جماعت را بیان فرمائید (ج) بدان که فضیلت جماعت بر فرادی بیست و چهار درجه است یا بیست و پنج درجه یا بیست و هفت درجه یا بیست و نه درجه هر يك رکعت از آن به بیست و چهار رکعت محسوب است و هر رکعت از آن محبوب تر است نزد خداوند عالم از عبادات چهل سال و نماز جماعت افضل است از نماز منفرد در مسجد کوفه که معادل هزار نماز است بلکه روایت شده که آن بدو هزار نماز محسوب است و روایت شده که نماز پشت سر عالم برابر هزار نماز است لهذا اجر در آن مضاعف خواهد شد و اگر در مسجد جامع واقع شود مضاعف

ص: 41

می شود بر حسب تفاوت نماز در مسجد یا غیر آن پس مجموع درجات به سیصد هزار منتهی خواهد شد و این ها همه با اتحاد ماموم است و اگر متعدد شود مضاعف می شود در هر يك بده درجه و اگر عدد زیاده از ده باشد اگر آسمان ها کاغذ و درختان قلم و دریاها مرکب شوند و انس و جن و ملائکه نویسنده باشند نتوانند ثواب يك رکعت از آن را بنویسند و با جمیع ذکر شد جماعت واجب نیست مگر در جمعه و عیدین با شرایط آن که در محل خود ذکر می شود و کسی که قرائت حمد و سوره اش درست نباشد و مقصر باشد در صحیح نمودن آن پس اگر ممکن باشد او را مسح نمودن حمد و سوره در وقت هر يك از فرادی به طریق صحیح یا جماعت کفایت می کند و اگر در وقت ممکن شود او را صحیح نمودن بجهت تنگی وقت و مانند آن جماعت بر او معین است علی الاحوط و اگر ممکن نباشد به هیچ وجه واجب نیست بر او جماعت و لاکن احوط است و گاهی واجب می شود به نذر و عهد و یمین و لکن اگر مخالفت کرد و فرادی خواند نمازش صحیح است اگرچه متعمد باشد و در این صورت کفاره نذر و نحوه بر او واجب است و مشروع نیست جماعت در نوافل حتی نماز روز عید غدیر بنا بر احوط بلکه اقوی بلی مشروع است در صلوة استسقا و باکی نیست به جماعت گذاردن

واجبی که مستحب شده به سبب امر خارجی چون نماز عید و هم چنین فریضه که فرادی بجا آورده و استحباباً به جماعت اعاده نماید و نماز صبی ممیز بنابر استحباب و مشروعیت آن کما هو الاقوی و معاده صلوة آیات با امتداد زمان خسوفین و غیر ذلك (س) اقتدا کردن مسافر به حاضر یا حاضر به مسافر یا ادا را بقضاء جایز است یا نه (ج) بلی جایز است و همچنین است با اختلاف در وجوب و استحباب مثل آن که احدهما فریضه اصلیه را به جای آورد و دیگری همان فریضه را ثانیاً به جهت فضل جماعت اعاده نماید و اقتداء کسی که فرایض یومیه به جا می آورد به کسی که فریضه طواف می کند و همچنین به عکس آن اقوی جواز است و جایز است اقتدا کسی که صلوة آیات می کند به کسی که صلوة آیات دیگر می کند و همچنین در جنازه فقط به کسی که به همان میت نماز می کند جایز است اقتدا کند و بغیر آن مطلقاً جایز نیست و همچنین است حکم نماز عیدین و در هیچ يك از این سه نماز اقتدا به یومیه گذار و طواف گذار و همچنین عکس آن جایز نیست و احوط آن که نماز عید گذار اقتدا به نماز استسقا گذار ننماید و همچنین عکس آن و نیز احوط ترك جماعت است در نماز احتیاط اگر چه به نماز احتیاط باشد مطلقاً بلکه در نافله منذور هم ترك آن احوط است (س) عددی که جماعت با آن منعقد می شود چند نفر است (ج) اقل عدد در غیر نماز جمعه دو نفر است که یکی امام و



دیگری مأموم باشد چه هر دو مرد باشند چه هر دو زن چه آن که مأموم زن باشد یا صبی غیر بالغ است لاکن در مواردی که جماعت شرط صحت باشد مثل معاده احوط اکتفا نکردن بغیر بالغ است .

## نماز مسافر

(س) کیفیت نماز مسافر و شرایط آن را بیان فرمائید

(ج) شرایط آن چند چیز است.

اول طی مسافتی که موجب قصر می شود و آن هشت فرسخ است در رفتن یا برگشتن یا در رفتن و برگشتن که هر دو هشت فرسخ بشود و معتبر نیست که برگشتن در همان روز یا همان شب بشود به شرط این که در بین قصد ده روز نکند (س) حد فرسخ شرعی چه مقدار است (ج) فرسخ عبارت از سه میل است که هر میلی چهار هزار ذراع بزراع دست است (س) بودن مسافت هشت فرسخ بیچه نحو ثابت می شود (ج) حاصل می شود به علم مسافر با شهادت دو نفر عادل یا بحصول اطمینان عقلانی (س) هر گاه بدون مقصد مسافتی را طی نمود و در اثناء قصد هشت فرسخ نمود تکلیف چیست (ج) آن چه باقی مانده اگر به مقدار مسافت شرعی است قصر کند (س) هر گاه به قصد مسافت رفت و لاکن در انتظار آمدن رفیق باشد تکلیف چیست (ج) هر گاه از حد ترخص خارج شده باشد و اطمینان با آمدن رفیق باشد یا چهار فرسخ

ص: 44

رفته باشد و عازم باشد که اگر رفیق نیامد برگردد قبل از ده روز باید قصد کند (س) ادامه قصد سفر لازم است یا خیر (ج) لازم است (س) آیا معتبر است در سفر آن که قطع نشود سفر او به قصد اقامه عشره با مرور به وطن (ج) معتبر است (س) مراد از وطن چیست (ج) وطن دو قسم است .

اول محل تولد و نشو و نما و نمای انسان دوم وطن اتخاذیست که عازم شود در محل بماند برای مادام العمر (س) تکلیف اشخاصی که چادر نشین و در بادیه و بیابان ها بسر می برند چیست (ج) تکلیف آن ها نماز تمام است مگر آن که سفری کنند که بر خلاف سیر آن ها باشد مثل زیارت و حج (س) کسی که سفر را شغل خود قرار داده در چه وقت باید نماز تمام کند (ج) هر گاه پی در پی دو سفر کند و ما بین آن ده روز در وطن و لو بدون قصد و در غیر وطن یا قصد ده روز نماید باید در سفر دوم نماز تمام کند (س) هر گاه سفر حرام باشد مثل سفر زوجه بدون اذن زوج در غیر سفر واجب و سفری که برای فعل حرام می باشد مثل سرقت تکلیف چیست (ج) باید نماز را تمام کند (س) حد ترخص چه مقدار است (ج) مقدار آنست که گوش شنونده

شخص متوسط صدای اذان در هوا و زمینی که متوسط باشد نشنود (س) مواضع تخییر مسافر بین قصر و اتمام را بیان فرمایند (ج) مسجد پیغمبر صلی الله علیه و اله جائز مسجد کوفه ، مسجد الحرام (س) خروج مقیم عشره از حد ترخص چه صورت دارد (ج) ضرر باقامه ندارد و لو شب را در خارج نماند (س) مسافری که قصد اقامه کرده قبل از اتمام ده روز برگشت از قصد حکم آن چیست (ج) هر گاه يك نماز چهار رکعتی را تمام خوانده باید تا مادامی که سفر ثانوی نکرده باید تمام کند (س) چند وطن ممکنست (ج) دو وطن و وطن شرعی نداریم

## شکایات نماز

(س) شکایات نماز چند قسمت (ج) شکایات نماز بیست و يك قسمت پنج قسم آن اعتبار ندارد. اول شك بعد از وقت دوم بعد از محل سوم شك بعد از سلام چهارم شك كثير الشك پنجم : شك امام و مأوموم با حفظ دیگری و هشت صورت آن باطلست ؛ اول شك در نماز دو رکعتی دوم : شك در نماز سه رکعتی ، سوم : شك در نماز چهار رکعتی که پای یک در میان باشد در هر جا که اتقاقی می افتد و در حال شك باقی بماند

ص: 46

چهارم شك در نماز چهار ركعتی كه پای دو در بین باشد قبل از اكمال سجدتین.

پنجم شك بین دو و پنج ششم شك بین سه و شش و هفتم شك بین چهار و شش . هشتم شك در ركعات گم شده یعنی آن كه نمی داند ركعت اولست یا دوم یا سوم.

### در شكوك صحیحه است

شكوك صحیحه هشت است اول شك دو و سه بعد از اكمال سجدتین بنا را بر سه گذار دو نماز را تمام كند بعد از سلام یک ركعت نماز احتیاط ایستاده یا دو ركعت نشسته بجا آورد دوم شك دو و چهار بعد از اكمال سجدتین بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام كند و بعد از آن دو ركعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد.

سوم شك 2 و 3 و 4 بعد از اكمال سجدتین بنا را بر چهار گذارد دو ركعت ایستاده و دو ركعت نشسته بخواند چهارم شك سه و چهار در هر حال كه باشد بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام كند و بعد يك ركعت نماز احتیاط ایستاده یا دو ركعت نشسته بجا آورد پنجم شك چهار و پنج بعد از اكمال سجدتین

بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد دو سجده سهو بجا آورد و در حال قیام فرو نشیند شك بر می گیرد سه و چهار بنا را بر چهار گذارده و نماز را تمام کند بعد از اتمام نماز يك رکعت نماز احتیاط ایستاده و یا دو رکعت نشسته بجا آورد بعد دو سجده سهو به عمل آورد.

ششم شك سه و پنج در حال قیام فرو نشیند شك بر می گردد بدو و چهار نماز را تمام کند و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد هفتم شك سه و چهار و پنج در حال قیام بنشیند شك او بر می گردد بدو و سه و چهار نماز را تمام کند و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته با دو سجده سهو بجا آورد شك میان پنج و شش در حال قیام بنشیند بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد دو سجده سهو از برای خراب شدن قیام و دو سجده سهو برای شك چهار و پنج و دو سجده سهو دیگر احتیاطاً اگر به قرائت یا ذکر مشغول شده باشد بکند.

### موارد وجوب سجده سهو را بیان فرمایند

1- کلام بیجا

2- سلام بیجا

ص: 48

3- قیام بیجا

4- تشهد فراموش شده

5- سجده فراموش شده

6- شك چهار و پنج بعد از اکمال سجدتین و در غیر این شش مورد احوط بجا آوردن دو سجده سهو است برای هر زیاده نقیصه.

(س) هر گاه موجبات سجده سهو متعدد شده تکلیف چیست؟

(ج) موجب تعدد سجده می شود.

(س) ترتیبی در سجده سهو هست یا نه

(ج) نیست.

(س) هر گاه سبب سجده سهو و قضاء سجده و تشهد و نماز احتیاط حاصل شود ترتیب لازم است یا نه؟

(ج) ترتیب لازم است اول اجزاء فراموش شده و بعد نماز احتیاط و بعد سجده سهو را بجا آورد.

(س) کیفیت سجده سهو را بیان فرمائید

(ج) نیت کنید دو سجده سهو بجا می آورم قرۃ الی الله

ص: 49

سجده برود بگوید بسم الله و با الله السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته و تشهد خفيف خوانده و سلام بدهد

(س) هر گاه فراموش کند سجده سهو را

(ج) هر وقت یاد آورد بجا آورد با وضو

## در روزه

(س) حقیقت روزه را بیان فرمائید (ج) روزه عبارت است از امساک نمودن از اول طلوع فجر صادق تا مغرب از مفطرات که شارع آن ها را مفطر قرار داده به قصد امتثال نمودن امر الهی (س) مفطرات را بیان فرمایند (ج) ده چیز است

اول خوردن هر چیزی که صدق خوردن بر آن نماید

دوم آشامیدن هر مایعی که صدق آشامیدن نماید

سوم جماع نمودن که ادخال حشفه شود چه به مرد و چه بزن و چه در قبل و چه در دبر و در حیوانات هم همین حکم است .

چهارم دروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه اطهار و آن حاصل می شود به این که بگوید که حکم خدا در فلان مسئله اینست و نداند حکم را و لو بعد معلوم می شود که راست گفته

پنجم از تماس در آب یعنی تمام سر را زیر آب یا مایع

ص: 50

دیگر فرو برد.

ششم رسانیدن غبار غلیظ به حلق و حلق عبارتست از مخرج خا، به طرف حلق

هفتم: عمداً قی کردن

هشتم: استمناء یعنی طلب خارج شدن منی بنماید .

نهم: اماله نمودن به مایع

دهم باقی ماندن بر جنایت عمداً تا طالع شدن فجر صادق (س) کدام يك از مفطرات مذکوره قضاء و كفاره دارد و کدام قضاء تنها دارد (ج)  
اول و دوم و سوم و پنجم و هفتم و هشتم و نهم و دهم موجب قضاء و كفاره است (س) طریق معلوم شدن ماه رمضان بچه نحو است.

به پنج نحو اول دیدن ماه

دوم - گذشتن سی روز از ماه شعبان

سوم - شهادت دو عادل که ادعای رؤیت کنند .

چهارم - شیاع با این که جمعی بگویند که ماه را دیدیم

پنجم - حکم مجتهد جامع الشرائط به ثبوت ماه.

(س) كفاره افطار چیست (ج) مخیر است بین سه چیز

ص: 51



بنده آزاد نمودن یا شصت فقیر اطعام نمودن یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن.

## در زکوة

(س) زکوة در چند چیز است (ج) در 9 چیز است اول طلا دوم نقره سوم گندم چهارم جو پنجم خرما ششم مویز هفتم گوسفند هشتم گاو نهم شتر

(س) شرط وجوب در طلا و نقره را بیان فرمایند.

(ج) سه شرط است.

اول : بودن آن مسكوك بسكه معامله ولو مهجور شده باشد

دوم گذشتن یک سال بر آن.

سوم نصاب (س) نصاب طلا و نقره را بیان فرمایند. (ج) دو نصاب دارد نصاب اول طلا پانزده مثقال 24 نخودی و نصاب دوم سه مثقال 24 نخودی و نصاب اول نقره صد و پنج مثقال 24 نخودی و نصاب دوم بیست و یک مثقال 24 نخودی و در هر يك و چهل و يك است چه از عین و چه از قیمت (س) نصاب گندم و جو و خرما و مویز را بیان فرمائید (ج) يك

ص: 52

نصاب دارند بمن تبریز دو بیست و هشتاد و هفت من سه چهارک و هفت سیر و سه مثقال 24 نخودی است و مقدار در همه اگر به آب دست باشد 21 و اگر نصف از جاری از دست از نصف آن ده یک و از نصف آن بیست یک داده می شود (س) نصاب شتر را بیان فرمائید (ج) از برای شتر دوازده نصاب است اول پنج یک گوسفند دوم ده دو گوسفند است سوم پانزده سه گوسفند چهارم بیست، چهار گوسفند پنجم بیست و پنج گوسفند . ششم بیست و شش یک شتر داخل در سال هفتم سی و شش یک شتر داخل سال سه . هشتم چهل و شش یک شتر داخل سال چهار ، نهم شصت یک شتر داخل سال پنج دهم هفتاد و شش دو شتر داخل در سال ، سه یازدهم نود و یک دو شتر داخل سال 4 ، 12 و 120 پس در هر 51 شتر داخل در سال 4 و در هر 41 شتر داخل سال سه باشد (س) نصاب گاو کدام است «ج» دو نصاب است سی و چهل . در هر سی یک کاو یک ساله و در هر چهل یک گاو ماده بدهد که داخل سه باشد (س) نصاب گوسفند چه مقدار است (ج) پنج است: اول چهل یک گوسفند دوم صد و بیست و یک دو گوسفند ، سوم دو بیست و یک سه گوسفند چهارم سیصد و

یک چهار گوسفند یک پنجم چهار صد و هر چه بالا رود و در هر صد گوسفند يك گوسفند است و معتبر است در گوسفند و شتر و گاو آن که یک سال در بیابان چریده باشد به علف کاشته نشده ، باش «س» شرط دهنده زکوة را بیان فرمائید (ج) شرط است که بالغ و عاقل و مالک و امکان تصرف را داشته باشد (س) مستحقین زکوة کدامند (ج) هستند اول فقیر دوم مسکین سوم ابن سبیل چهارم مدیونی که نتواند دین خود را بدهد پنجم جمع کنندگان زکوة ششم بنده و غلام که تحت شدت باشد هفتم کفاری که در جنگ کمک مسلمین کنند هشتم مطلق خیرات

## در خمس

(س) خمس در چند چیز است

(ج) خمس در هفت چیز است

اول- اموالی که از کنار حربی در جنگ گرفته می شود .

دوم- معادن و آن عبارتست از مثل نمک و عقیق و فیروزه و مس و قلع و امثال آن ها

سوم- گنج است و آن اموالیست که در زیر زمین به ذخیره گذاشته می شود

ص: 54

چهارم- آن چه به خواصی از دریا خارج می کنند.

پنجم- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد چه زمین زراعت باشد چه غیر آن

ششم- اموال حلال که با موال حرام مخلوط شود که نه مقدار و نه صاحب آن معلوم باشد.

هفتم- منافی که شخص تحصیل کند از هر طریقی که باشد از تجارت و زراعت و صناعت و امثال آن.

(س) مصرف خمس را بیان فرمائید.

(ج) پنج قسمت می شود 2 نیم قسمت آن مال سادات فقیر و 2 و نیم قسمت آن باید به مجتهد برسد چه مقلد آن باشد و چه نباشد به شرط آن که نظر او در مصرف با مقلد متحد باشد و سید بیشتر از مؤنه سال خود نمی تواند از خمس بگیرد و با اندازه شأن خود دریافت می کند.

### مختصری از تعقیبات نماز را بیان فرمائید

برای طول عمر بسیار مجرب است بعد از هر نماز بخواند

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم إن رسولك الصادق المصدق صلواتك عليه وآله قال إنك قلت ما ترددت في شيء أنا فاعله كترددى في قبض

ص: 55

روح عبدی المؤمن یکره الموت و إنا اکره مسائته أَللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوَلِيِّكَ الْفَرَجَ وَ النَّصْرَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْإِنْسَانَ فِي نَفْسِي وَ لَا فِي نَفْسِ أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

نقل از مفاتیح الجنان شیخ کلینی از امام ششم روایت کرده هر که بعد از نماز صبح و مغرب هفت مرتبه بگوید.

بسم الله الرحمن الرحيم و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم

حق تعالی دفع کند از او هفتاد نوع بلا که آسان تر آن ها با دو پیسی و دیوانگی باشد و اگر شقی باشد محو شود از اشقیاء و نوشته شود از سعادت و همچنین برای توسعه رزق تسیحات حضرت زهرا بسند معتبر از حضرت صادق روایت شده است .

آن حضرت فرموده تسیح فاطمه زهرا در پس هر نماز در هر روز به سوی من دوست تر است از هزار رکعت نماز در هر روز . و نیز فرمود هر کس تسیح فاطمه ( السلام الله علیها ) را بگوید پیش از آن که پاهای خود را از نماز بگرداند خداوند او را بیامرزد.

اول سی و چهار مرتبه الله اکبر

سوم سی و سه مرتبه سبحان الله

دوم سی و سه مرتبه الحمد لله

ص: 56

بہمت

حاج سید محمد رضا رجائی حاج محمد علی دامغانی انتشار یافت

«قیمت 5 ریال»

چاپ خانہ وقت مشہد بازار بزرگ

ص: 57

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

